



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۵۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای محمد جعفری

مقدمه

بحث در محدوده دلالات ادله شرعیه لفظیه بود. البته به مقتضای علم اصول تنها دلالت‌های عامی که در تمامی ابواب فقه به کار می‌آید مورد بحث قرار گرفت. در درس گذشته، با معنای ماده امر و محدوده دلالت آن آشنا شدیم. در این درس پیرامون صیغه امر و گستره دلالت آن توضیح داده خواهد شد. نکته مهم درس این مطلب است که برای یافتن موضوع‌له هر لفظ یا هیئت، باید به مدلول تصویری آن دقت شود. جایگاه غرض متکلم، در مدلول تصدیقی ثانی یا همان مدلول جدی است و نباید با موضوع‌له و مدلول تصویری خلط شود. همین خلط موجب شده برخی قائل به معانی متعددی برای صیغه امر شوند.

متن درس

[الأمر تارة يستعمل بمادته فيقال: «آمرك بالصلاة» وأخرى بصيغته فيقال: «صل». اما مادة الأمر.....]

و اما صيغة الأمر فقد ذكرت لها عدة معان كالطلب و التمني و الترجي و التهديد و التعجيز و غير ذلك، و هذا في الواقع خلط بين المدلول التصوري للصيغة، و المدلول التصديقي الجدى لها باعتبارها جملة تامة و توضيحه ان الصيغة - أى هيئة فعل الأمر - لها مدلول تصورى و لا بد أن تكون من سنخ المعنى الحرفى كما هو الشأن فى سائر الهيئات و الحروف، فلا يصح ان يكون مدلولها نفس الطلب بما هو مفهوم اسمى، و لا مفهوم الإرسال نحو المادة، بل نسبة طلبية أو إرسالية توازى مفهوم الطلب أو مفهوم الإرسال، كما توازى النسبة التى تدل عليها «إلى» مفهوم «الانتهاء»، و العلاقة بين مدلول الصيغة بوصفه معنى حرفيا و مفهوم الإرسال أو الطلب تشابه العلاقة بين مدلول «من» و «إلى» و «فى» و مدلول «الابتداء» و «الانتهاء» و «الظرفية». فهى علاقة موازنة لا ترادف. و نقصد بالنسبة الطلبية أو الإرسالية الربط المخصوص الذى يحصل بالطلب أو بالإرسال بين المطلوب و المطلوب منه، أو بين المرسل و المرسل إليه، و هذا هو المدلول التصورى للصيغة الثابت بالوضع. و للصيغة باعتبارها جملة تامة مكونة من فعل و فاعل، مدلول تصديقي جدى بحكم السياق لا الوضع، إذ تكشف سياقاً عن أمر ثابت فى نفس المتكلم هو الذى دعاه إلى استعمال الصيغة، و فى هذه المرحلة تتعدد الدواعى التى يمكن ان تدل عليها الصيغة بهذه الدلالة، فتارة يكون الداعى هو الطلب، و أخرى الترجي و ثالثة التعجيز، و هكذا مع انحفاظ المدلول التصورى للصيغة فى الجميع.

هذا كله على المسلك المختار المشهور القائل بان الدلالة الوضعية هى الدلالة التصورية. و اما بناء على مسلك التعهد القائل بان الدلالة الوضعية هى الدلالة التصديقية، و ان المدلول الجدى للجملة التامة هو المعنى الموضوع له ابتداء فلا بد من الالتزام بتعدد المعنى فى تلك الموارد لاختلاف المدلول الجدى.

معنای صیغه امر

در علم اصول بحث اوامر در دو بخش ماده امر و صیغه آن مطرح می‌شود. در درس قبل بحث از ماده امر گذشت و اینک به بحث از صیغه امر می‌پردازیم.

در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که مراد از صیغه امر هر هیئتی است که بر طلب لزومی دلالت کند. بنابراین بحث علاوه بر صیغه‌هایی مثل «افعل»، شامل اسم فعل، مانند «صه» و نیز مضارع مجزوم به لام امر، مانند «لیفعل» و..... می‌شود.

برخی برای صیغه امر، معانی متعددی به نحو اشتراک لفظی ذکر کرده‌اند. بعضی از این معانی عبارتند از:

۱. طلب، مانند: أَقْبِمُوا الصَّلَاةَ.

۲. تمنی^۱، مانند: ای جوانی بازگرد- یا مانند: این شعر از امرء القیس : أَلَا أَيُّهَا اللَّيْلُ الطَّوِيلُ الْأَنْجَلِي.

۳. ترجی^۲، مانند: خدایا ما را ببخش- و یا مانند این که شخصی به محبوب خود بگوید: جئنی (نزد من بیا).

۴. تهدید، مانند: اعملوا ما شئتم^۳.

۵. تعجیز، مانند: فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ^۴.

۶. تسخیر، مانند: كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ^۵.

و.....

باید توجه داشت ذکر این معانی متعدد برای صیغه امر صحیح نیست و بنابر مسلک اعتبار و قرن اُکید- که مبانی صحیح در بحث وضع می‌باشند- معانی صیغه امر متعدد نیست. خلط بین مدلول تصویری صیغه با مدلول تصدیقی ثانی (مدلول جدی) موجب شده است تا معانی متعددی برای صیغه امر بیان شود.

تطبیق

و اما صیغه الأمر فقد ذكرت لها عدة معان كالطلب و التمني و الترجي و التهديد و التعجيز و غير ذلك، و هذا في الواقع خلط بين المدلول التصوري للصيغة، و المدلول التصديقي الجدي لها^۶ باعتبارها^۷ جملة تامة.

^۱ تمنی؛ یعنی خواستن امر ممکن و یا غیر ممکن؛ بنابر این اعم از ترجی می‌باشد.

^۲ ترجی، به معنای درخواست امر ممکن است.

^۳ فصلت، آیه ۴

^۴ بقره، آیه ۲۳

^۵ بقره، آیه ۶۷

^۶ مشارالیه: ذکر معانی متعدد

^۷ مرجع ضمیر: صیغه امر

^۸ مرجع ضمیر: صیغه امر _ متعلق جار و مجرور: المدلول

اما صیغه امر چند معنا برایش ذکر شده است مثل «طلب»، «تمنی»، «ترجی»، «تهدید»، «تعجیز» و دیگر معانی. ولی این در واقع، خلط کردن بین مدلول تصویری صیغه و مدلول تصدیقی جدی صیغه به این اعتبار که جمله تامی است، می باشد.

Sco۱: ۱۰:۴۸

وحدت معنای صیغه امر

چنانچه گذشت، آن چه موجب ذکر معانی متعدد برای صیغه امر شده، خلط بین مدلول تصویری و مدلول تصدیقی ثانی می باشد. با توجه به مباحثی که در دروس گذشته مطرح شد، آن چه وضع مستقیماً بر آن دلالت دارد، مدلول تصویری است و مدلول تصدیقی (اول و ثانی)، از سیاق کلام و حال متکلم برداشت می شود.

صیغه امر (هیئت فعل امر) نیز مدلول تصویری دارد و از آن جا که هیئت دارای معنای غیرمستقل، یعنی معنای حرفی می باشد، در نتیجه مدلول تصویری هیئت «افعل» نیز باید از سنخ معانی حرفی باشد؛ زیرا تمام هیئات و حروف برای معنای حرفی و غیرمستقل، یعنی معنای ربطی وضع شده اند.

بنابراین قطعاً موضوع له هیئت افع و مدلول تصویری آن نمی تواند «طلب» باشد؛ زیرا طلب، معنا و مفهومی اسمی می باشد و به همین ترتیب تهدید و تعجیز و تمنی و... نمی توانند معنا و موضوع له هیئت «افعل» باشند؛ زیرا تمام این ها مفاهیم مستقل و اسمی هستند.

ارسال به سوی مطلوب نیز یک مفهوم اسمی است و نمی تواند موضوع له هیئت «افعل» باشد.^۱

بنابراین قطعاً موضوع له و مدلول تصویری هیئت «افعل» از سنخ نسبت و ربط است. در نتیجه باید گفت که موضوع له آن نسبت طلبیه (نسبت ارسالیه) می باشد. و مفهوم طلب و ارسال مفاهیمی اسمی هستند که معادل و موازی با موضوع له هیئت «افعل» می باشند.

علاقه بین موضوع له هیئت «افعل» و مفهوم طلب و ارسال، همان علاقه بین موضوع له حروف «من» و «إلی» با مفهوم «الابتداء» و «الانتهاء» می باشد؛ یعنی همان علاقه موازات. همچنین این مفاهیم مسلماً با یکدیگر مترادف نیستند؛ زیرا یکی مفهومی حرفی و معنای موازی با آن، مفهومی اسمی است.

بنابراین در تمامی مثال هایی که برای معانی متعدد صیغه امر ذکر شد، معنای صیغه امر در واقع یکی بیشتر نیست و آن نسبت طلبیه و ارسالیه می باشد و کسانی که مدعی آن معانی هستند، بین موضوع له (مدلول تصویری) و غرض از کلام گوینده (مدلول جدی و تصدیقی ثانی)، خلط کرده اند.

توجه به این نکته ضروری است که مقصود ما از نسبت طلبیه، یک معنای ربطی و حرفی است؛ یعنی هیئت «افعل» میان دو چیز، ربط و نسبتی معادل و موازی با مفهوم طلب ایجاد می کند. به عنوان مثال «إضرب» میان ماده فعل «ضرب» که همان مطلوب آمر می باشد و فاعل (أنت که مستتر در إضرب است) که همان مطلوب من می باشد، نسبت طلبیه ایجاد کرده است؛ یعنی نسبتی معادل با مفهوم طلب (و نه مترادف با آن) و این معنا در تمامی موارد وجود دارد؛ چه اضرب به غرض بعث و تحریک مخاطب باشد و چه به غرض تعجیز یا تهدید یا

^۱ ارسال به سوی ماده (به سوی مطلوب) یعنی این که آمر با امر خود، مأمور را به سمت چیزی (مطلوب) ارسال می کند.

تطبیق

و توضیح^۱ ان الصیغه - أى هیئة فعل الأمر - لها مدلول تصویری و لا بد أن تكون^۲ من سنخ المعنى الحرفی كما هو^۳ الشأن فى سائر الهیئات و الحروف،

توضیح مطلب این که: صیغه، یعنی هیئت فعل امر، دارای یک مدلول تصویری می باشد که باید از سنخ معنای حرفی باشد، همان طور که سائر هیئات و حروف نیز این گونه می باشند.

فلا یصح ان یكون مدلولها^۴ نفس الطلب بما هو مفهوم اسمی، و لا مفهوم الإرسال نحو المادة، بل نسبة طلبیة أو إرسالیة توازی مفهوم الطلب^۵ أو مفهوم الإرسال، كما توازی النسبة^۶ التى تدل علیها «إلى» مفهوم^۷ «الانتهاء».

بنابراین صحیح نیست که مدلول صیغه امر، خود طلب به عنوان یک مفهوم اسمی باشد و همچنین صحیح نیست مدلول صیغه امر ارسال به سوى ماده باشد، بلکه نسبت طلبیه یا نسبت ارسالیه، موازی مفهوم طلب یا مفهوم ارسال است، همان طور که نسبتی که «الى» بر آن دلالت می کند، موازی مفهوم «انتهاء» می باشد.

و العلاقة بین مدلول الصیغه بوصفه^۸ معنى حرفی و مفهوم الإرسال أو الطلب تشابه العلاقة بین مدلول «من» و «إلى» و «فی» و مدلول «الابتداء» و «الانتهاء» و «الظرفیة». فهی علاقة موازاة لا ترادف.

و رابطه بین مدلول صیغه به این عنوان که معنای حرفی است و مفهوم ارسال یا طلب، شبیه رابطه بین «من»، «الى»، و «فی» با مدلول «ابتداء»، «انتهاء» و «ظرفیت» است. بنابراین، رابطه بین مدلول صیغه و مفهوم ارسال یا طلب، رابطه موازات است، نه رابطه ترادف.

و نقصد بالنسبة الطلبیة أو الإرسالیة الربط المخصوص الذى یحصل بالطلب أو بالإرسال بین المطلوب و المطلوب منه، أو بین المرسل و المرسل إلیه، و هذا^۹ هو المدلول التصوری للصیغة الثابت بالوضع.

و مراد ما از نسبت طلبیه و یا ارسالیه، ربط مخصوصی است که به واسطه طلب یا ارسال بین مطلوب و مطلوب منه یا بین مرسل و مرسل الیه حاصل می شود و این همان مدلول تصویری صیغه است که با وضع، ثابت است.

۲۱:۴۴Sco۲:

۱. مرجع ضمیر: اینکه ذکر معانی متعدد برای صیغه امر، خلط بین مدلول تصویری و مدلول تصدیقی ثانی می باشد.

۲. اسم تكون: مدلول تصویری

۳. مرجع ضمیر: اینکه مدلول تصویری از سنخ معنای حرفی باشد.

۴. مرجع ضمیر: صیغه امر

۵. مفعول به «توازی»

۶. فاعل توازی

۷. مفعول به «توازی»

۸. مرجع ضمیر: مدلول الصیغه

۹. مشارالیه: الربط المخصوص

خلط بین مدلول تصویری و مدلول تصدیقی ثانی (مدلول جدی)

همان‌گونه که گذشت مدلول تصویری و موضوع‌له صیغه امر در همه استعمالات واحد است و آن معنایی ربطی و حرفی است و از سنخ نسبت می‌باشد. اما آنچه موجب شده برخی به اشتباه افتاده و معانی متعددی را به نحو اشتراک لفظی برای صیغه امر ذکر کنند این است که هر صیغه و هیئت امری به ضمیمه فاعلش - که غالباً به صورت ضمیری در آن مستتر است - یک جمله تام را تشکیل می‌دهد. این جمله تام با توجه به سیاق و نیز حال متکلم، بر مدلول تصدیقی ثانی، یعنی غرض و مدلول جدی متکلم، دلالت دارد. از آن‌جا که غرض متکلم در هر استعمال، متفاوت است - یعنی گاه غرض او از استعمال «افعل»، طلب است و گاه غرضش تهدید یا تعجیز و ... - گمان شده که این اغراض و مدلول‌های جدی که از سیاق کلام بر آمده است، معانی و موضوع‌له‌های صیغه امر می‌باشند.

تطبیق

و للصیغة باعتبارها^۱ جملة تامة مكونة من فعل و فاعل، مدلول تصدیقی جدی بحکم السياق لا الوضع، إذ^۲ تكشف سياقاً عن أمر ثابت في نفس المتكلم هو^۳ الذي دعاه^۴ إلى استعمال الصيغة

و برای صیغه امر به اعتبار آن‌که جمله تامی است که از فعل و فاعل تشکیل شده است، یک مدلول تصدیقی جدی وجود دارد که به حکم سیاق می‌باشد، نه به وضع؛ زیرا سیاق صیغه امر، کاشف از غرض در نفس متکلم می‌باشد که متکلم را به استعمال صیغه امر فراخوانده است.

و في هذه المرحلة تتعدد الدواعي التي يمكن ان تدل عليها الصيغة بهذه الدلالة، فتارة يكون الداعي هو الطلب، و أخرى الترجي و ثالثة التعجيز، و هكذا مع انحفاظ المدلول التصوري للصيغة في الجميع.

و در این مرحله انگیزه‌هایی که ممکن است صیغه امر به سبب دلالت تصدیقی، بر آن‌ها دلالت داشته باشد، متعدد است. گاه می‌شود که انگیزه متکلم، طلب است و گاه ترجی و یا تعجیز و ... در عین آن‌که مدلول تصویری صیغه، در تمام این حالات محفوظ باقی می‌ماند.

Scor: ۲۸: ۴۴

معنای صیغه امر مبتنی بر نظریه تعهد

این مطلب که معنای صیغه امر در همه استعمالات واحد است و آن همان نسبت طلبیه می‌باشد، بنابر مسلک اعتبار و قرن اکید (از مسلک‌هایی که در مورد وضع وجود دارد) می‌باشد که البته نظر مشهور و صحیح همین است. اما بنابر مسلک تعهد، مطلب به گونه دیگری است.

چنان‌چه در درس‌های گذشته بیان شد، بنابر مسلک تعهد، هر جمله تامی مستقیماً برای مدلول تصدیقی ثانی خود وضع شده است؛ یعنی وضع مستقیماً دلالت بر مدلول تصدیقی دارد.^۲ طبق این مبنا، از آن‌جا که در هر استعمالی از

^۱. متعلق جار و مجرور: کان محذوف که للصیغه نیز متعلق به همان است.

^۲. تعلیل برای «بحکم السياق لا الوضع»

^۳. مرجع ضمیر: امر ثابت

^۴. مرجع ضمیر: متکلم

صیغه امر، غرض جدی و مدلول تصدیقی ثانی می‌تواند متفاوت از استعمالات دیگر باشد، بنابراین معانی متعدد خواهد بود.

تطبیق

هذا^۲ كله على المسلك المختار المشهور القائل بان الدلالة الوضعيّة هي الدلالة التصورية.

همه این‌ها بنا بر مسلک مختار ما که مشهور قائل به آن هستند، می‌باشد. بنا بر این نظریه، دلالت وضعیه همان دلالت تصویری است.

و اما بناء على مسلك التعهد القائل بان الدلالة الوضعيّة هي الدلالة التصديقية، و ان المدلول الجدى للجملة التامة هو المعنى الموضوع له ابتداء فلا بد من الالتزام بتعدد المعنى فى تلك الموارد لاختلاف المدلول الجدى.

و اما بنا بر مسلک تعهد که می‌گوید دلالت وضعیه همان دلالت تصدیقی است؛ یعنی مدلول جدی جمله تامه، همان معنای موضوع له آن می‌باشد، به ناچار باید ملتزم به تعدد معنا در این موارد شد؛ زیرا که مدلول جدی، مختلف است.

Sco۴:۳۳:۲۱

^۱. توجه داشته باشید که طبق این نظریه، هر استعمال کننده‌ای واضع نیز می‌باشد.

^۲. بر خلاف مسلک اعتبار و قرن اکید که طبق این دو نظریه، وضع تنها بر مدلول تصویری دلالت دارد.

^۳. مشارالیه: اینکه مدلول تصدیقی جدی صیغه امر به حکم سیاق کشف می‌شود و نه از وضع، در نتیجه معنای موضوع له صیغه امر (یعنی مدلول تصویری) متعدد نیست.

چکیده

۱. مراد از صیغه امر، هر هیئتی است که بر طلب لزومی دلالت کند.
۲. برای صیغه امر برخی معانی متعددی بیان کرده‌اند، مثل تمنی، ترجی، طلب و ...
۳. از آن‌جا که معنا و موضوع^۱ له تمامی هیئات و حروف، معنایی حرفی و ربطی است، معنای صیغه امر نمی‌تواند طلب و تمنی و تهدید و ... باشد؛ زیرا این معانی مفاهیمی اسمی هستند.
۴. علت ذکر معانی متعدد برای صیغه امر، خلط بین مدلول تصویری صیغه امر و مدلول جدی جمله‌ای است که صیغه امر به همراه فاعلش آن را تشکیل داده است.
۵. صیغه امر در تمام موارد استعمال یک معنا دارد و آن نسبت طلبی (و یا نسبت ارسالی) می‌باشد.
۶. نسبت ارسالی و نسبت طلبیه با ارسال و طلب، مترادف نمی‌باشند.